

رهنمودهای رسول الله ﷺ
در مورد احکام جناز

تهیه و تدوین:

دکتر خالد بن عبدالعزیز جناحی

ترجمه:

یوسف پیل بالا

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.sadaiislam.com

www.islamtxt.com

www.islamhouse.com

www.ahlesonnat.com

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.kalemeh.tv

www.videofarsi.com

www.nourtv.net

فهرست مطالب

- ۳ مقدمه‌ی مترجم
- ۵ مقدمه‌ی مؤلف (چاپ دوم)
- ۶ مقدمه‌ی مؤلف (چاپ اول)
- ۹ رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد عیادت مریض
- ۱۱ رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد وصیت کردن
- ۱۵ رهنمودهای رسول الله ﷺ در هنگام فرا رسیدن مرگ
- ۱۷ رهنمودهای رسول الله ﷺ بعد از وفات
- ۲۰ رهنمودهای ایشان در هنگام رسیدن خبر مرگ کسی
- ۲۳ رهنمودهای رسول الله ﷺ در تشخیص دادن عاقبت و سرانجام میت
- ۲۷ رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد غسل دادن میت
- ۲۹ رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد تکفین میت
- ۳۱ رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد حمل جنازه
- ۳۳ رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد نماز میت
- ۳۹ رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد خاکسپاری میت
- ۴۳ رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد زیارت قبرستانها
- ۴۵ رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد تعزیت
- ۴۶ رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد سوگواری و عده وفات

- ۴۸ رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد آنچه که برای مرده منفعت دارد
- ۵۰ بدعت‌های متنوعی که انجام دادن آن جایز نمی‌باشد
- ۵۳ منابع مورد استفاده

مقدمه‌ی مترجم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله، والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وأصحابه ومن والاه، اما بعد: از آنجایی که دین مبین اسلام دینی کامل و بدون عیب و نقص می‌باشد، شایسته است که یک فرد مومن و مسلمان تعالیم راستین آن را - بدون اینکه چیزی بر آن افزوده یا از آن بکاهد- چراغ راه خود قرار داده، از قرآن که روشنگر راه مومنان و سنت که مبین قرآن است پیروی کرده و از بدعت گذاری در دین خودداری کند، چرا که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ». یعنی: «کسی که در دینمان چیزی ایجاد کند که از آن نیست، بدانند که عملش مردود است». متفق علیه. و امام مالک رحمه الله می‌فرماید: «من ابتدع فى الإسلام بدعة يراها حسنة؛ فقد زعم أن محمداً ﷺ خان الرسالة؛ لأن الله يقول: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾» فما لم يكن يومئذ دينا؛ فلا يكون اليوم دينا». یعنی: «کسی که بدعتی را در دین بوجود بیاورد و آن را نیکو پندارد، در حقیقت گمان کرده است که رسول الله ﷺ در ابلاغ رسالتش کوتاهی کرده؛ زیرا الله ﷻ می‌فرماید: امروز دینتان را برایتان کامل کرده‌ام؛ پس هر آنچه که در آن روزگار جزو دین نبوده امروز نیز جزو دین بشمار نمی‌آید».

امروزه متأسفانه به این تعالیم روح بخش الهی توجه چندانی نمی‌شود و بسیاری از دوستان ناآگاه و بعضاً هم دشمنان قسم خورده‌ی دانا تعالیمی را به دین وارد کرده‌اند که امروز بجای سنت رسول الله ﷺ بدان عمل می‌شود و این را بدانیم هرگاه سنتی را ترک کنیم قطعاً بدعتی جایگزین آن خواهد شد.

در طی قرون متمادی بعد از اصحاب و تابعین بسیاری از آداب و رسوم مردم در کنار سنت های نبوی به حوزهی معتقدات مسلمین رسوخ کرد و بعدها به عنوان جزئی لاینفک از اعتقادات دینی تثبیت گردید. یکی از مصادیق زندهی آن تشریفات کفن و دفن مرده های ماست که به وضوح می توان رد پای بدعت را در آن مشاهده نمود تا جایی که تمسک به احادیث صحیح نبوی و عمل به سنت های راستین رسول الله ﷺ در این مورد کمرنگ می باشد.

برادران و خواهران مومن و غیور! بیایید تا با هم گرد و غبار بدعت و خرافات را از چهره ی دینمان بزدایم تا ما هم در جهت خدمت به دین سهمی داشته باشیم.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

مقدمه‌ی مؤلف (چاپ دوم)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على الهادي الأمين، و على آله و صحبه الغر الميامين، و الذين اتبعوهم بإحسان إلى يوم الدين.

أما بعد:

ده سال از چاپ اول این کتابچه - که امیدوارم ان شاء الله سودمند واقع شده باشد- می‌گذرد و در واقع ده سال ما را به مرگ نزدیک گردانیده است؛ و در این بین این کتابچه به فضل و کرم الله ﷻ در بسیاری از کشورها توزیع شده که مورد قبول و پسند طلاب علم و تشییع کنندگان جنازه- آنهایی که دوست دارند با روش پیامبر ﷺ در این مورد آشنا شوند- قرار گرفته است. لذا مناسب دیدم که محتوای این کتاب را بازنگری کنم تا چنانچه سهو یا اشتباهی از من سر زده باشد، آن را اصلاح کرده و سپس مسایلی را که به نظر مهم آمده و در چاپ قبلی از دید من پنهان مانده بدان افزوده باشم؛ همچنین خوانندگان عزیز را از بدعت هایی که مردم در امر تشییع جنازه و تعزیه بوجود آورده اند آگاه سازم.

از الله می‌خواهم که این عمل را در روزی که نه مال به درد انسان می‌خورد و نه فرزند، مایه‌ی قرب و نزدیکی درگاه خودش قرار دهد.

دکتر خالد بن عبدالعزيز الجناحی

۱۵ ربیع الآخر ۱۴۳۴هـ

مقدمه‌ی مؤلف (چاپ اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله حمداً يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه، وصلى الله على رسوله
المصطفى محمد وآله وأصحابه، ومن سار على نهجهم إلى يوم مياعده.

أما بعد:

همانا راست‌ترین سخن، سخن الله است و بهترین روش، روش محمد ﷺ و
بدترین کارها، امور جدیدی است که [در دین] بوجود می‌آید و هر چیز جدیدی [در
دین] بدعت بشمار می‌رود و تمام بدعتها گمراهیست و تمام گمراهی‌ها در دوزخ
می‌باشد.

حال که دانستیم بهترین روش در تمام کارها، روش رسول الله ﷺ می‌باشد، پس
روش ایشان در تشییع جنازه نیز قطعاً بهترین و کاملترین روشهاست؛ یکی از
روشهای ایشان نیکی در حق میت بود و کارهایی را برایش انجام می‌داد که در قبر و
بعد از آن به میت نفع می‌رساند؛ همچنین نیکی در حق خانواده‌ی میت نیز از عادت
ایشان بود و به بهترین شیوه میت را آماده می‌کردند و سپس خود و اصحابش آنچنان
نمازی بر او می‌خواندند که قبرش نور باران می‌شد و آنگاه از الله برای میت طلب
مغفرت و رحمت می‌کردند سپس همراه جنازه می‌رفتند تا اینکه او را دفن می‌کردند.
نظر به اینکه احکام جنازه از جمله مسایلی است که همه‌ی افراد جامعه بدان
نیازمندند، لذا چیزهایی در آن دخیل شده که به دور از آموزه‌های دینی است. برای
همین منظور تصمیم گرفتیم که یادداشتی هرچند کوچک و قابل حمل را در اختیار

خوانندگان عزیز قرار دهم تا رهنمودهای رسول الله ﷺ را در تمامی امور جنازه برای مسلمانان خصوصاً تشییع کنندگان جنازه به روشنی بیان کند که با عیادت مریض شروع گشته و تا دفن میت و تعزیه و سوگواری خانواده اش را در بر گرفته باشد. و این کتابچه بصورت مختصر و مفید تهیه شده است به طوری که به راحتی فرد مسلمان را بسوی فهم و تطبیق احکام جنازه و برپا داشتن آن بر طبق روش رسول الله ﷺ و بدور از انجام بدعتها راهنمایی می کند.

در این رساله کوچک از روش ابن قیم (رحمه الله) استفاده کردم چنانچه ایشان در کتاب «زاد المعاد» در بیشتر سرفصلهای کتاب مذکور از این جمله استفاده کرده است: «و کان من هدیه ﷺ ...، یعنی: و از رهنمودهای ایشان اینگونه بود...». و همچنین بر دلایلی که امام آلبنی (رحمه الله) در کتاب اعجاب انگیزش بنام «احکام جناز» به آن استدلال کرده اعتماد کرده ام و همچنین بعضی از فوائد فقهی که امام ابن عثیمین (رحمه الله) در شرحش بر کتاب «زادالمستقنع» آورده است را بدان افزوده ام سپس از مطالب مفیدی که در مراجع دیگر فقهی آمده است استفاده کرده ام.

از الله می خواهم که این کتاب را برای خوانندگان عزیز مفید واقع بگرداند و اجرش را شامل حال بنده و هر کسی که در چاپ و توزیعش همکاری کند بگرداند. این کتابچه را در صبح روز جمعه برابر با (۲۷ رمضان سال ۱۴۲۱ هـ) به اتمام رساندم.

تدوین:

د. خالد بن عبدالعزیز الجناحی

رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد عیادت مریض

راه و روش ایشان در مورد عیادت مریض اینگونه بود که به شخص مریض نزدیک می‌شد و بالای سرش می‌نشست، آنگاه از چگونگی حالش جويا می‌شد و از او می‌پرسید که چه چیزی میل دارد، آنگاه هرچه را که می‌دانست بر حال او مضر نیست برایش فراهم می‌کرد.

و از رهنمودهای ایشان اینگونه بود که دست راستش را بر مریض می‌کشید و این دعا را می‌خواندند: «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، أَذْهِبِ الْبَأْسَ، وَاشْفِ، أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لَا يُعَادِرُ سَقَمًا».

ترجمه: بار الها! ای پروردگار مردم! ناراحتی و درد را بردار و شفا بده که تو شفابخشی و هیچ شفایی جز شفای تو نیست، شفایی عطا کن که چیزی از بیماری باقی نگذارد. (متفقٌ علیه).

و از روش ایشان آنگاه که بر مریض وارد می‌شد اینگونه بود که می‌فرمود: «لَا بَأْسَ ظُهُورٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

ترجمه: نگران نباش، اگر الله بخواهد این بیماری باعث پاک شدن گناهانت خواهد شد. (به روایت امام بخاری)

ایشان همیشه مردم را بر رفتن به عیادت مریض تشویق می‌کردند؛ چنانچه می‌فرمایند: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَعُودُ مُسْلِمًا، إِلَّا ابْتَعَتْهُ اللَّهُ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ».

ترجمه: هیچ مسلمانی نیست که مسلمان دیگری را عیادت می‌کند مگر اینکه

الله متعال هفتاد هزار ملائکه را می‌فرستد که بر وی درود می‌فرستند. (امام احمد روایت کرده و شیخ آلبانی آن را صحیح دانسته است).

یک نکته مهم: لازم است که هم مریض و هم خانواده‌ی مریض به این نکته توجه داشته باشند که هر آنچه برایش مقدر شده گریز از آن ممکن نیست؛ پس مریضی او از جمله چیزهایی است که الله برایش مقدر کرده است، لذا لازم است که هم مریض و هم خانواده‌اش به قضای الله راضی و خوشنود باشند و بر آنچه که مقدر کرده صبر و بردباری از خود نشان دهند و اینکه نسبت به الله گمانشان نیکو باشد، چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ لَهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ: إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءٌ سَرَّاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَّاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ».

ترجمه: از حال مسلمان تعجب میکنم که همه‌ی کارهایش برای او خیر است و این وضع تنها برای مؤمن است که اگر چیزی که مایه‌ی شادی و سود است، برای او پیش آید، شکر میکند و خیر او در آن است و اگر ضرر [و سختی] برای او پیش آید، صبر میکند و خیر او در آن است. (به روایت امام مسلم).

همچنین ایشان می‌فرمایند: «لَا يَمُوتُنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

ترجمه: هر یک از شما باید قبل از وفات، گمان و ظنش را به الله متعال نیکو کند. (به روایت امام مسلم).



رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد وصیت کردن

از جمله رهنمودهای ایشان این بود که همیشه تشویق می‌کردند که هر فرد مسلمان باید وصیتی بصورت مکتوب داشته باشد- یا اینکه در هنگام وفاتش و در حضور شاهدان شفاهاً بیان کند- تا اگر حق و حقوقی از کسی به گردنش باشد یا حق او به گردن کسی باشد مشخص شود؛ چنانچه در حدیثی از ایشان روایت است: «مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ يَبِيتُ لَيْلَتَيْنِ إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةً عِنْدَهُ».

ترجمه: برای مسلمان جایز نیست که دو شب بر او بگذرد بدون اینکه وصیت‌اش را نوشته باشد. (متفق علیه).

و همچنین فرمودند: «مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَخِيهِ، مِنْ عَرَضِهِ أَوْ مِنْ شَيْءٍ، فَلْيَتَحَلَّلْهُ مِنْهُ الْيَوْمَ قَبْلَ أَنْ لَا يَكُونَ دِينَارٌ وَلَا دِرْهَمٌ، إِنْ كَانَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ أَخَذَ مِنْهُ بِقَدْرِ مَظْلَمَتِهِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أُخِذَ مِنْ سَيِّئَاتِ صَاحِبِهِ فَحُمِلَ عَلَيْهِ».

ترجمه: هر کس حقی از آبرو یا موارد دیگر از برادرش بر او هست و نسبت به او ستمی روا داشته است، همین امروز و پیش از آن که [روزی بیاید که] دینار و درهمی وجود ندارد از او حلالیت بخواهد [و ذمه‌ی خود را از آن بری کند] زیرا [در قیامت برای جبران ظلمی که کرده است] اگر عمل صالح داشته باشد، به اندازه‌ی ظلمی که نموده است، از آن گرفته [و به اعمال صالح افراد مظلوم اضافه می‌شود] و اگر عمل صالح و حسناتی نداشته باشد، از گناهان شخص مظلوم کم و به گناه ظالم افزوده می‌گردد. (به روایت امام بخاری).

به همین منظور و بخاطر اینکه در این دوران بدعت‌گذاری در دین خصوصاً در آنچه که به امر تکفین و تدفین میت تعلق دارد دامنگیر بسیاری از مردم شده است،

لذا برای هر فرد مسلمان لازم و ضروری است وصیت کند به اینکه غسل و کفن و دفنش کاملاً بر طبق سنت باشد.

لذا صحابه رضی الله عنهم به این امر وصیت می کردند؛ چنانچه از حدیث رضی الله عنه روایت شده که ایشان فرمودند: «هر گاه وفات یافتم، مرگ مرا به کسی اعلام نکنید، زیرا بیم آن دارم که اعلام خبر مرگم شامل «نعیی»^(۱) باشد که رسول الله صلی الله علیه و آله از آن بر حذر داشته است، زیرا خود از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که از این کار نهی فرمودند». (به روایت ترمذی، و علامه آلبنی آن را صحیح دانسته است).

از ابی برده رضی الله عنه روایت شده که فرمودند: «ابو موسی رضی الله عنه به هنگام وفاتش وصیت فرمودند که: آنگاه که جنازه مرا می برید، پس شتابان حرکت کنید و جنازه مرا با بخور و عود همراهی نکنید و میان من و لحد چیزی قرار ندهید که مانع تماس بدنم با خاک شود و بر قبر من گنبد و بارگاه نسازید و شما را گواه می گیرم که من بیزارم از کسی که در هنگام مصیبت موی کند و صدا بلند کند و جامه دَرَد، گفتند: آیا در این مورد چیزی شنیده ای؟ فرمود: بله، از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیده ام». (به روایت امام احمد و شیخ آلبنی آن را حسن دانسته است که اصل این حدیث در صحیحین آمده است).

لازم است که نکات زیر در وصیت رعایت شود:

نکته اول: این که شخص نباید وصیت کند بیشتر از یک سوم مالش را در راه الله انفاق کنند؛ بلکه افضل این است که از آن نیز کمتر باشد، به دلیل حدیثی که از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت شده که فرمودند: «جَاءَنِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يُعَوِّدُنِي عَامَ حَجَّةِ الْوَدَاعِ مِنْ وَجَعِ اسْتَدَّ بِِي فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّي قَدْ بَلَغَ بِي مِنَ الْوَجَعِ مَا تَرَى، وَأَنَا ذُو مَالٍ وَلَا يَرْتُنِّي إِلَّا ابْنَةُ لِي، أَفَأَتَصَدَّقُ بِثُلُثِي مَالِي؟ قَالَ: لَا، قُلْتُ: فَالشُّطْرُ

۱- نعی: به رساندن و پخش کردن خبر مرگ در میان مردم اطلاق می شود.

يَارَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: لَا، قُلْتُ: فَالْثُلُثُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الثُّلُثُ وَالثُّلُثُ كَثِيرٌ أَوْ كَبِيرٌ إِنَّكَ إِنْ تَذَرَ وَرَثَتَكَ أَغْنِيَاءَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَذَرَهُمْ عَالَةً يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ، وَإِنَّكَ لَنْ تُنْفِقَ نَفَقَةً تَبْتَغِي بِهَا وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا أُجِرْتَ عَلَيْهَا حَتَّى مَا تَجْعَلُ فِي فِي امْرَأَتِكَ».

ترجمه: رسول الله ﷺ سال حجة الوداع به خاطر درد شدیدی که داشتیم به عیادت آمد، به ایشان عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ! از بیماری به حالی افتاده ام که می بینید، ثروتمندم و جز یک دخترم وارثی ندارم، آیا می توانم دو سوم اموال خود را صدقه بدهم؟ فرمودند: خیر، گفتم: آیا نصف آن را (صدقه بدهم)؟ فرمودند: خیر، گفتم: آیا یک سوم آن را بدهم، فرمودند: کافی است، البته آن هم زیاد است، تو اگر ورثه ات را بی نیاز و ثروتمند به جای بگذاری بهتر از این است که آنها را فقیر بگذاری که به سوی مردم دست دراز کنند؛ هر انفاقی که تو برای کسب رضایت الله ﷻ بکنی پاداش آن را خواهی یافت حتی اگر لقمه ای باشد که در دهان زنت بگذاری. (متفق علیه).

ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید: «وَدِدْتُ أَنَّ النَّاسَ عَضُّوا مِنْ الثُّلُثِ إِلَى الرَّبْعِ فِي الوصية، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: الثُّلُثُ، وَالثُّلُثُ كَثِيرٌ».

ترجمه: دوست داشتم که مردم وصیتشان را از یک سوم به یک چهارم کم می کردند، زیرا رسول الله ﷺ فرمودند: یک سوم و یک سوم نیز زیاد است. (به روایت امام بخاری و مسلم).

نکته دوم: وصیت کند که به نیابت از او حج کنند و این در صورتی است که خود او موفق به ادای حج نشده باشد؛ و اینکه سهمی از مالش را در کارهای عام المنفعه (صدقه جاریه) بکار ببرد تا پس از مرگش از اجر و ثواب آن بهره مند شود.

نکته سوم: بهتر است وصیت کند تا آن یک سوم مالش را که برای انفاق در راه الله در نظر گرفته به آن دسته از خویشاوندانش بخصوص فقرای آنها که وارث او محسوب نمی شوند بدهند.

نکته چهارم: اینکه در حق وارث وصیت نکند، بدینصورت که بخواهد چیزی را بدان بيفزاید یا از آن بکاهد یا او را محروم کند، چنانچه رسول الله ﷺ می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَى كُلَّ ذِي حَقِّهِ فَلَا وَصِيَّةَ لِرَاثٍ».

ترجمه: همانا خداوند به هر صاحب حقی، حقس داده است؛ لذا وصیت برای وارث جایز نیست. (به روایت ابوداود، ترمذی و ابن ماجه. و شیخ آلبنانی آن را حسن دانسته است).

نکته پنجم: اینکه در وصیتش به کسی ظلم نکند، یا اینکه خواسته باشد در وصیتش به کافر یا ظالمی اظهار محبت کرده باشد.

نکته ششم: اینکه در وصیتش تأکید کند در صورتی که حقی را از کسی پایمال کرده - چه آن حق مادی باشد چه معنوی - یا ظلمی به کسی روا داشته است آن را به صاحبش باز گرداند.

نکته هفتم: نباید در وصیت چیز باطل و خلاف شرع قید شده باشد، یا بدان تشویق کرده باشد یا بسوی آن دعوت دهد؛ چنانچه رسول الله ﷺ می فرماید: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ».

ترجمه: کسی که در این کار ما [اسلام و دستورات آن]، چیز تازه ای ایجاد کند که از آن نباشد، مردود است. (متفق علیه).

نکته هشتم: وصیت کند که غسل و کفن و دفنش مطابق با سنت مطهر رسول الله ﷺ بدون اینکه چیزی به آن افزوده شود، باشد.

نکته نهم: وصیت کند که در مکان خاصی مانند منزل یا مقبره یا مسجد برای برگزاری مجلس تعزیه اجتماع نکنند.

نکته دهم: اینکه بر وصیتش، دو مرد عادل و مسلمان گواه گرفته شود؛ و در صورتی که مسلمانی در دسترس نبود، می توان دو مرد غیر مسلمان را گواه قرار داد و

این بدان سبب است که وصیت شخص معتبر باشد و کسی به آن شک نکنند، چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا شَهَدَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ ءَاخِرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ﴾ [المائدة: ۱۰۶].

ترجمه: ای مومنان! هنگامی که [علائم و قرائن] مرگ یکی از شما فرا رسید [و خواست درباره چیزی وصیت کند] باید در موقع وصیت دو نفر عادل از میان خودتان، [یا اگر در سفر بودید و بالای مرگ دامنگیرتان شد] و به مسلمانان دسترسی نبود [از میان دیگران به گواهی گرفته شوند....].

رهنمودهای رسول الله ﷺ در هنگام فرارسیدن مرگ

از جمله رهنمودهای ایشان در هنگام فرارسیدن مرگ، تلقین محتضر (شخص رو به موت) به کلمه «لا إله إلا الله» بود، همانطور که در مورد عمویش ابوطالب و نوجوان یهودی این کار را انجام دادند.

و آنگاه که ملک الموت - که نامگذاری آن در سنت به عزرائیل ثابت نشده است - جهت قبض روح شخص محتضر از آسمان نزول میکند، سنت است کارهای زیر را در حق محتضر انجام داد:

- سنت است که گلوی شخص در حال احتضار بوسیله آب یا مانند آن خیس کرده شود، اما نباید زیاد باشد چون ممکن است دچار سرفه شود و به او ضرر برساند.

- با پنبه یا دستمال لبهایش مرطوب گردد؛ زیرا هم لبها و هم گلوی محض خشک می‌شود و این سبب می‌شود که به راحتی نتواند شهادتین را بر زبان جاری کند، لذا نیاز است که دستمال مرطوب کرده شود تا بهتر بتواند شهادتین را بر زبان بیاورد.

- بطور واضح و روشن به وی تلقین «لا إله إلا الله» شود؛ زیرا رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «لَقِّنُوا مَوْتَاكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ مَنْ كَانَ آخِرَ كَلَامِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عِنْدَ الْمَوْتِ؛ دَخَلَ الْجَنَّةَ يَوْمًا مِنَ الدَّهْرِ، وَإِنْ أَصَابَهُ قَبْلَ ذَلِكَ مَا أَصَابَهُ».

ترجمه: به مردگان خود (کسانی که لحظه‌ی مرگشان فرا رسیده است) کلمه‌ی "لا إله إلا الله" تلقین کنید؛ زیرا هر کس در هنگام مردن آخرین سخنش کلمه‌ی "لا إله إلا الله" باشد روزی به بهشت وارد می‌شود حتی اگر قبل از آن دچار سختی‌هایی بشود. (به روایت ابن حبان و شیخ آلبانی آن را حسن دانسته است). و جمله اولی در صحیح مسلم آمده است.

- برای کسانی که در آن مجلس حضور دارند لازم است که برایش دعا کنند و در حضور او جز خیر نباید بگویند؛ چرا که رسول معظم اسلام ﷺ می‌فرماید: «إِذَا حَضَرْتُمُ الْمَرِيضَ، أَوْ الْمَيِّتَ، فَقُولُوا خَيْرًا، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُؤْمِنُونَ عَلَى مَا تَقُولُونَ».

(چون بر سر مرده یا مریض حاضر شدید، پس سخن خیر بگوئید، زیرا فرشتگان به آنچه می‌گویید، آمین می‌گویند). (به روایت امام مسلم).

رهنمودهای رسول الله ﷺ بعد از وفات

شیوهی ایشان اینگونه بود: آنگاه که خبر وفات کسی به ایشان می‌رسید می‌فرمودند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». یعنی «ما از آن الله هستیم و به سوی او باز می‌گردیم».

و ایشان مردم را تشویق می‌کردند که در مقابل مصیبتها صبر پیشه کنند، و پیوسته می‌فرمودند: «الصَّبْرُ عِنْدَ أَوَّلِ صَدْمَةٍ».

(صبر، همان است که در آغاز مصیبت، باشد). (به روایت امام بخاری و مسلم).

آنگاه که از وفات شخص اطمینان حاصل کردیم، سنت است که کارهای زیر را انجام دهیم:

- چشمان میت را می‌بندیم و سپس در حقیق آن دعای مشهوری را می‌کنیم که پیامبر در حق ابوسلمه کردند؛ چنانچه رسول الله ﷺ بر ابوسلمه وارد شد در حالی که [وفات کرده بود و] چشمانش باز مانده بود. پس چشمهای او را بست و آنگاه فرمود: «إِنَّ الرُّوحَ إِذَا قُبِضَ تَبِعَهُ الْبَصَرُ فَصَجَّ نَاسٌ مِنْ أَهْلِهِ فَقَالَ: لَا تَدْعُوا عَلَيَّ أَنْفُسَكُمْ إِلَّا بِخَيْرٍ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُؤْمِنُونَ عَلَيَّ مَا تَقُولُونَ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَبِي سَلَمَةَ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي الْمَهْدِيِّينَ وَافْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَنَوِّرْ لَهُ فِيهِ وَاخْلُفْهُ فِي عَقْبِهِ».

ترجمه: وقتی روح قبض و از بدن خارج میشود چشم، او را دنبال می‌کند، عده ای از خویشاوندان ابوسلمه فریاد کشیدند، پیامبر ﷺ فرمودند: برای خود جز دعای خیر نکنید؛ زیرا ملائکه بر آنچه می‌گویند آمین می‌گویند سپس فرمودند: خدایا! ابوسلمه را بیامرزد و مقامش را در میان هدایت یافتگان بلند

فرما و قبرش را فراخ و نورانی گردان و از نسل او جانشینی در میان باز ماندگانش قرار بده. (به روایت امام مسلم).

- فک پایین و بالا باید بوسیله یک تکه پارچه به هم بسته شود؛ بدین صورت که آن پارچه از پایین فک رد کرده و بالای سرش گره زده می‌شود، زیرا اگر این کار انجام نشود ممکن است دهن مرده باز شود که در این صورت یک منظره نامناسبی از چهره مرده به جای می‌ماند.

- بر سر و صورت خود زدن، لباس پاره کردن، تراشیدن موی سر و با صدای بلند خوبیهای مرده را ذکر کردن و مانند اینها شرعاً جایز نمی‌باشد؛ زیرا این کارها از اعمال ملتهایی بشمار می‌رود که به روز رستاخیز ایمان ندارند.

اما گریه ای که صرفاً سبب سرازیر شدن اشک از چشمان عزادار و ناشی از حزن قلبی او باشد و همراه با داد و فریاد نباشد اشکالی ندارد زیرا رسول الله ﷺ زمانی که پسرش ابراهیم از دنیا رفت فرمودند: «إِنَّ الْعَيْنَ تَدْمَعُ وَالْقَلْبَ يَحْزَنُ، وَلَا نَقُولُ إِلَّا مَا يَرْضَى رَبُّنَا، وَإِنَّا بِفِرَاقِكَ يَا إِبْرَاهِيمَ لَمَحْزُونُونَ».

ترجمه: چشم‌ها، اشک می‌ریزد و دل اندوهگین است ولی ما سخنی که موجب عدم خوشنودی الله ﷻ شود به زبان نمی‌آوریم. و ما بخاطر جدایی تو، ای ابراهیم! غمگین هستیم. (به روایت امام بخاری و مسلم).

- نرم کردن مفاصل‌های میت، و منظور از مفاصلها، مفاصل دو دست و دو پا می‌باشد، بدین صورت که ساعد میت را با خم نمودن آرنج هایش به روی بازویش می‌بریم و بر می‌گردانیم [تا انعطاف پذیری اش حفظ شود] و سپس بازوهایش را از کتف [طی چند عمل رفت و برگشت] به پهلویش می‌چسبانیم و بر می‌گردانیم. و همینطور مفاصلهای دویا، بدینصورت که

ساق پایش را [از زانو ها خم نموده] تا موازات رانهایش می‌بریم، سپس رانش را [از موضع لگن خم نموده] به شکمش نزدیک می‌کنیم و پس از آن، و قبل از اینکه آن مفاصل خاصیت خود را از دست بدهد و خشک شود آن را به جای اول باز می‌گردانیم [تا انعطاف پذیری مرافق، کتف و زانوها حفظ شود] چون در غیر این صورت غسل دادن میت مشکل می‌شود.

- لباسش را از تنش بیرون می‌آوریم؛ زیرا اگر لباس میت را از تنش بیرون نیاوریم جسمش را گرم می‌کند و این سبب می‌شود سریعتر بدن میت فاسد شود. لذا زمانی که لباس را از تنش بیرون آوردیم جسمش سردتر خواهد شد؛ ولی باید دقت کرد که به آرامی این کار را انجام دهیم تا اذیت نشود.

- لازم است میت را با یک پارچه که تمام بدنش را می‌پوشاند، بپوشانیم؛ چنانچه سیده عایشه (رضی الله عنها) می‌فرماید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حِينَ تُوُفِّيَ سَجَّيَ بِبُرْدٍ حَبْرَةٍ».

ترجمه: (هنگامی که رسول الله ﷺ وفات یافت، با یک چادر سبز یمنی پوشانده شد). (به روایت امام بخاری و مسلم).

و این کار شامل کسانی که در حال احرام از دنیا رفته باشند نمی‌شود؛ چرا که انسان مُحَرَّم سر و صورتش نباید پوشیده شود، به دلیل حدیث ابن عباس و قصه مردی که در عرفه ایستاده بود و ناگهان از مرکبش افتاد و با شکستن گردنش فوت کرد، رسول الله ﷺ فرمود: «وَلَا تُحْمَرُوا رَأْسُهُ وَلَا وَجْهَهُ، فَإِنَّهُ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلَبَّيًّا».

ترجمه: (و سر و نه صورتش را نپوشانید زیرا او روز قیامت لیبیک گویان برانگیخته می‌شود). به روایت شیخین (بخاری و مسلم).

- زمانی که مشخص شد شخص وفات یافته، باید در جهت آماده سازی میت برای کفن و دفن تعجیل کرد؛ به دلیل این فرموده رسول الله ﷺ که: «أسرعوا بِالْجَنَازَةِ».

ترجمه: (جنازه را هر چه زودتر به گورستان ببرید). (به روایت امام بخاری و مسلم).

- اینکه افرادی پرداخت بدهی‌های میت را از مال خود میت به عهده بگیرند حتی اگر نیاز باشد که تمام مالش را بدهند و در این کار هیچ گونه سهل انگاری روا ندارند؛ زیرا تا زمانی که بدهی میت پرداخت نشود، وی به سبب قرض و دینش [در قبر] محبوس و [بلا تکلیف] ننگه داشته می‌شود، به دلیل حدیثی که سعد بن اطول رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت کرده که ایشان فرمودند: «إِنَّ أَحَاكَ مَحْبُوسٌ بِدَيْنِهِ، فَاذْهَبْ فَاقْضِ عَنْهُ».

ترجمه: (همانا برادرت بسبب بدهی‌هایش محبوس و ننگه داشته شده است، پس برو و قرضش را ادا کن). (به روایت ابن ماجه و تصحیح شیخ آلبانی).

رهنمودهای ایشان در هنگام رسیدن خبر مرگ کسی

رهنمودهای رسول الله ﷺ کامل ترین رهنمودها بود، برای همین دو چیز را به امتش در هنگام شنیدن خبر مرگ قوم و خویش یا بیگانه یاد داده است:

- صبر در مقابل مصیبت مرگ و راضی شدن به تقدیر الهی؛ چنانچه الله می‌فرماید: ﴿وَلَتَبْلُوتَنَّهُمْ مِمَّا بُشِئُ مِنْهُ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ مِمَّا أَلْمَأَمُولِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ

مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أَوْلَيْكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأَوْلَيْكَ هُمْ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾ [البقرة: ١٥٥-١٥٧].

ترجمه: قطعاً شما را با برخی از [امور همچون] ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود میوه ها، آزمایش می‌کنیم، و مژده بده به بردباران * آن کسانی که هنگامی که بلایی به آنان می‌رسد می‌گویند: ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم * آنان الطاف و رحمت و احسان و مغفرت پروردگارشان شامل حالشان می‌گردد، و به راستی ایشان راه یافتگان هستند).

• گفتن قول: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، و می‌توان این جمله را که از رسول الله ﷺ ثابت شده نیز بدان افزود: «اللَّهُمَّ أَجْرِي فِي مُصِيبَتِي، وَاخْلُفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا».

ترجمه: (خدایا! مرا در مصیبتم مأجور بفرما و بهتر از آن را برایم جانشین او کن). (به روایت امام مسلم).

از مهمترین چیزهایی که انجام آن بر اهل و خویشاوندان میت لازم است این است که بیشترین تعداد از اشخاص صالح و متقی و خویشاوندان میت را از وفاتش با خبر سازند؛ چرا که با این کار تعداد بیشتری از انسانهای صالح و پرهیزکار بر میت نماز می‌خوانند و در حقیقت دعا می‌کنند و همچنین کسی که خبر وفات را می‌دهد از مردم بخواهد که برای میت طلب آمرزش کنند؛ چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «إِسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ»

ترجمه: (برای برادرتان آمرزش طلب کنید). (به روایت امام بخاری و مسلم).

یک تذکر مهم:

نباید خبر وفات شخص را مانند یهود و نصارا که از طریق تلویزیون و روزنامه اعلام می‌کنند، اعلام کنیم؛ و می‌ترسم کسانی که به این صورت خبر وفات را اعلام می‌کنند، شامل این حدیث نبوی بشوند که می‌فرماید: «لَتَتَّبِعَنَّ سَنَنَ مَنْ قَبْلَكُمْ شَبْرًا بِشِيرٍ، وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ، حَتَّىٰ لَوْ سَلَكَوا جُحْرَ صَبَّ لَسَلَكْتُمُوهُ». قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى. قَالَ: «فَمَنْ».

ترجمه: (شما و جب به جب و ذراع به ذراع از روش پیشینیان، پیروی خواهید کرد. حتی اگر آنان وارد سوراخ سوسماری شده باشند شما نیز وارد آن خواهید شد).
راوی می‌گوید: گفتیم: ای رسول خدا! منظور از گذشتگان، یهود و نصارا است؟ فرمود: «پس چه کسی است». (به روایت امام بخاری و مسلم).

• سنت است که برای خانواده میت غذا درست کنند، چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «اصْنَعُوا لِآلِ جَعْفَرٍ طَعَامًا فَقَدْ أَتَاهُمْ مَا يُشْغِلُهُمْ».

ترجمه: (برای آل جعفر غذایی درست کنید که بر آنها مصیبتی آمده که آنها را مشغول نموده است). (به روایت ابوداود و ترمذی و تحسین آل‌بانی).

در روزگار ما متأسفانه مردم بدعت را به سنت، و سنت را به بدعت تغییر داده‌اند؛ لذا دقیقاً عکس این حدیث دارند عمل می‌کنند، بطوری که این خانواده میت هستند که برای میهمانانی که جهت تسلیت آمده‌اند غذا درست می‌کنند؛ گویا که مجلس پذیرایی برپا شده است، والله المستعان!!

رهنمودهای رسول الله ﷺ در تشخیص دادن عاقبت و

سرانجام میت

در این باب بعضی احادیث و آثاری که از رسول الله ﷺ ثابت شده و ممکن است بشارتی مبنی بر حسن خاتمه میت، بر خانواده و خویشاوندانش باشد را جمع آوری کردم که به شرح زیر می باشد:

- اینکه آخرین سخنش کلمه (لا إله إلا الله) باشد.
- مردن همراه با عرق پیشانی؛ چنانچه بریده بن حصیب رضی الله عنه که در خراسان بودند فرمودند: الله اکبر، شنیدم که رسول الله ﷺ می فرمود: «مَوْتُ الْمُؤْمِنِ بِعَرَقِ الْجَبِينِ».

ترجمه: (مرگ مومن با عرق پیشانی است). (امام احمد و ترمذی و نسایی و ابن ماجه روایت کرده اند و شیخ آلبنانی آن را حسن دانسته است).

- شهید شدن در میدان جهاد، فوت کردن شخصی که برای جهاد در راه الله خارج شده باشد و نیز مردن بسبب مریضی طاعون، یا مردن بسبب شکم درد؛ بدلیل حدیثی که از رسول الله ﷺ وارد شده که ایشان فرمودند: «مَا تَعُدُّونَ الشُّهَدَاءَ فِيكُمْ؟ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِيدٌ. قَالَ: «إِنَّ شُهَدَاءَ أُمَّتِي إِذَا لَقِيلُوا قَالُوا: فَمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ مَاتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ مَاتَ فِي الطَّاعُونِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ مَاتَ فِي الْبَطْنِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَالْعَرِيْقُ شَهِيدٌ».

ترجمه: «شما چه کسانی از خود را شهید می دانید؟» گفتند: ای رسول خدا! کسی که در راه خدا کشته شود، شهید است، رسول الله ﷺ فرمودند: «در این

صورت شهدای امت من کم هستند!» گفتند: پس شهدا چه کسانی هستند ای رسول خدا؟! رسول الله ﷺ فرمودند: «کسی که در راه خدا کشته شود، شهید است و کسی که در راه خدا بمیرد، شهید است و کسی که از مرض طاعون بمیرد، شهید است و کسی که از شکم درد بمیرد، شهید است و غرق شده، شهید است.» (به روایت امام مسلم).

- کسی که در اثر آتش سوزی بمیرد و کسی که زیر آوار بمیرد و کسی که در اثر درد پهلو بمیرد و زنی که بر اثر درد زایمان بمیرد.

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «الشهداء سبعة، - سوی القتل فی سبیل الله: المطعون شهید، والغریق شهید، وصاحب ذات الجنب شهید، والحرق شهید، والذي يموت تحت الهدم شهید، والمرأة تموت بِمُجْمَع شهيدة».

ترجمه: شهدا هفت گروه اند: بجز کسی که در راه الله کشته شده، کسی که در اثر طاعون و وبا بمیرد شهید است، کسی که در اثر غرق شدن در آب، بمیرد شهید است، و کسی که بر اثر بیماری سینه پهلو بمیرد، شهید است، و کسی که در اثر آتش سوزی وفات کند، شهید است، کسی که زیر آوار، فوت نماید، شهید است، و زنی که در اثر درد زایمان فوت کند، شهید است. (امام مالک و ابوداود و نسائی و شیخ آلبانی آن را صحیح دانسته است).

- مردن در اثر مریضی سل؛ چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «والسُّل شهادة».

ترجمه: [مردن در اثر] مرض سل شهادت محسوب می‌شود. (به روایت طبرانی و تحسین آلبانی).

- مرگ در راه دفاع از دین و جان و مرگ در راه دفاع از مال، که منظور مالی است که از انسان غصب شده باشد؛ چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «من

قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ».

ترجمه: آنکه در راه دفاع از مالش کشته شود شهید است، و آنکه در راه دفاع از خانواده اش کشته شود شهید است، و آنکه در راه دفاع از دینش کشته شود شهید است، و آنکه در راه دفاع از جانش کشته شود شهید است. (به روایت ابوداود و تصحیح آلبنی).

- کسی که در حال نگهداری دادن در راه الله از دنیا برود؛ چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «رِبَاطٌ يَوْمٌ وَلَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَقِيَامِهِ، وَإِنْ مَاتَ فِيهِ جَرِي عَلَيْهِ عَمَلُهُ الَّذِي كَانَ يَعْمَلُ، وَأُجْرِي عَلَيْهِ رِزْقُهُ، وَأَمِنَ الْقَتْلَانِ».

ترجمه: مرزبانی و نگهداری کردن از مسلمانان و جایگاه آنان در جنگ به مدت یک شبانه روز، بهتر از روزه داری و شب بیداری برای عبادت در یک ماه است و اگر شخص در حال مرزبانی و نگهداری بمیرد، عمل خیری که انجام داده است، برای همیشه برای او منظور و موجب رحمت می‌گردد و روزی او (در بهشت) مقرر و پایدار میشود و از فتنه و مخاطرات بعد از مرگ، محفوظ و در امان می‌باشد. (به روایت امام مسلم).

- مرگ پس از انجام دادن عمل صالح؛ چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ حُتِمَ لَهُ بِهَا، دَخَلَ الْجَنَّةَ؛ وَمَنْ صَامَ يَوْمًا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ حُتِمَ لَهُ بِهَا، دَخَلَ الْجَنَّةَ؛ وَمَنْ تَصَدَّقَ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ حُتِمَ لَهُ بِهَا، دَخَلَ الْجَنَّةَ».

ترجمه: کسی که بخاطر رضای الله «لا إله إلا الله» بگوید و پس از آن از دنیا برود، به بهشت داخل می‌شود؛ و کسی که یک روز را بخاطر الله روزه بگیرد و سپس از دنیا برود، وارد بهشت می‌شود؛ و کسی که بخاطر الله

صدقه بدهد و سپس از دنیا برود وارد بهشت می‌شود. (به روایت امام احمد و تصحیح آل‌بانی).

• کسی که حاکم ظالمی را نصیحت کند و به او تذکر دهد، سپس حاکم او را بکشد، چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «سید الشهداء، حمزه ابن عبدالمطلب، ورجل قام إلى إمام جائرٍ فأمره ونهاه فقتله».

ترجمه: سرور و سالار شهیدان حمزه بن عبدالمطلب است، و [نیز] مردی که به نزد حاکم ظالمی رفته و او را نصیحت کند، سپس آن حاکم او را بکشد. (به روایت حاکم، و تصحیح آل‌بانی).

تذکر مهم: بسیاری از مردم کلمه (شهید) را برای هر کسی که کشته می‌شود به طور یقینی و قطعی اطلاق می‌کنند^(۱) و این جایز نمی‌باشد؛ بلکه باید اینگونه بگوییم: از الله می‌خواهیم که او را در زمره‌ی شهدا قرار دهد، نه اینکه با اطمینان بگوییم فلانی شهید شده است. لذا می‌بینیم که علمایی امثال امام بخاری در صحیحش بابی را به این عنوان تخصیص داده است: (باب: اینکه کسی نگوید فلانی شهید شده است).



۱- اهل سنت و جماعت اطلاق کلمه‌ی «شهید» را برای کسانی که نص حدیث در موردشان ثابت نشده جایز نمی‌داند، زیرا زمانی که لقب «شهید» به کسی می‌دهیم یعنی بهشتی بودنش را تضمین کرده‌ایم؛ به همین صورت نمی‌توان در مورد شخص مسلمانی که از دنیا می‌رود گواهی بهشتی یا دوزخی بودنش را داد، زیرا این مسایل جزو امور غیبی محسوب می‌شود.

رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد غسل دادن میت

از رهنمودهای ایشان این بود که میت را به سرعت برای کفن و دفن آماده می‌کردند، لذا زمانی که میت تمیز گشته و به آن بوی خوش مالیده می‌شد، او را در کفن سفیدی می‌پیچیدند و بعد رسول الله ﷺ بر او نماز می‌خواندند.

برادر مسلمانم بدان که: در درجه اول سزاوارترین فرد برای غسل دادن میت کسی است که میت وصیت کرده باشد و در درجه دوم پدرش، سپس پدر بزرگش، سپس اقوام و خویشاوندانش.

برای غسل دهنده واجب است که در هنگام غسل دادن میت نکات زیر را رعایت کند:

اول: لازم است که میت را در هنگام غسل دادن با تکه ای از جامه یا پارچه ای بپوشاند تا عورتش از انظار مردم مخفی بماند.

دوم: باید غسل دهنده با سنت آشنایی داشته باشد؛ همچنین امانت دار باشد تا چنانچه عیبی را در بدن میت مشاهده کند، آن را فاش نسازد تا بدینوسیله پاداش بزرگی را برای خود کسب کرده باشد.

سوم: سر میت را به طرف خود بلند کرده، سپس به آرامی به شکمش فشار وارد می‌کند که در این هنگام باید زیاد آب بر روی میت ریخته شود.

چهارم: تکه پارچه ای را دور دست خود پیچیده (یا دست کش بدست می‌کند) و آن را از زیر پارچه ای که بوسیله آن عورت میت را پوشانده، بر بدن میت می‌کشد.

پنجم: بعد از آن، آن تکه پارچه یا دست کشی را که بوسیله آن عورت میت را شسته بود، از دست خود در آورده و با دست کش جدیدی بقیه بدن میت را می‌شوید.

ششم: سنت است کسی که میت را غسل می‌دهد قبل از غسل دادنش، میت را وضو بدهد اما آب را در بینی و دهانش نکند.

هفتم: سپس [غسل دهنده] همانند انسان زنده که غسل جنابت می‌کند، [در قلبش] نیت غسل را بجا می‌آورد.

هشتم: سپس نام الله را بر زبان می‌آورد و می‌گوید: (بسم الله).

نهم: سه بار او را غسل می‌دهد و در صورت نیاز می‌تواند بیشتر از آن نیز غسل دهد اما به شرط اینکه بصورت وتر (طاق) باشد.

دهم: همراه با غسل، سدر (برگ درخت کنار) یا چیزهایی مشابه آن [در خاصیت] مانند صابون استعمال کند.

یازدهم: بهتر است که همراه با آخرین غسل کمی بوی خوش و کافور نیز بکار ببرد.

دوازدهم: اگر میت زن باشد موهای بافته شده اش را از هم باز کرده و خوب آن را بشوید؛ و اگر بتواند به آرامی موهای سرش را آنچنانکه نریزد شانه کند، این کار را انجام دهد؛ و پس از آن در سه ردیف آن را بیافد. چنانچه ام عطیه روایت می‌کند که زینب دختر رسول الله ﷺ را اینگونه غسل دادند و رسول الله ﷺ هم آن را تأیید فرمودند.

سیزدهم: غسل از سمت راست، و از اعضای وضو شروع شود.

چهاردهم: در طول مراحل غسل عورت میت باید پوشیده باشد.

پانزدهم: کسی که [به هر دلیلی] نشود او را غسل داد، صرفاً کفن کرده می‌شود.

شانزدهم: اعضای قطع شده غسل داده شود و همراه میت دفن شود.

هفدهم: جنینی که از شکم مادر سقط شده باشد اگر چهار ماه از آن گذشته باشد، غسل داده می‌شود.

هجدهم: میت مذکر را مردان غسل می دهند و میت مؤنث را زنان؛ و همچنین شوهر می تواند همسرش را غسل دهد و زن می تواند شوهرش را غسل دهد.

نوزدهم: برای کسی که میت را غسل می دهد مستحب است که پس از آن غسل کند؛ چنانچه رسول الله ﷺ می فرماید: «مَنْ غَسَلَ مَيِّتًا فَلْيَغْتَسِلْ، وَمَنْ حَمَلَهُ فَلْيَتَوَضَّأْ».

ترجمه: هر کس جنازه ای را شست، باید غسل کند و هر کس آن را حمل کرد، باید وضو بگیرد. (به روایت ابوداود و تصحیح آلبانی).

رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد تکفین میت

از رهنمودهای ایشان در مورد تکفین میت این بود، زمانی که شخصی وفات می یافت اگر امکان داشت او را در پارچه سفید کفن می کرد، و پیوسته می فرمود:

«الْبَسُوا مِنْ ثِيَابِكُمُ الْبَيَاضَ فَإِنَّهَا مِنْ خَيْرِ ثِيَابِكُمْ وَكَفِّنُوا فِيهَا مَوْتَاكُمْ».

ترجمه: لباسهای سفیدتان را بپوشید؛ زیرا آن از بهترین لباسهای شماست و مرده های خود را در آن کفن کنید. (امام ابوداود و ترمذی و ابن ماجه روایت کرده اند و شیخ آلبانی آن را صحیح دانسته است).

رسول الله ﷺ در سه تکه پارچه سفید یمانی کفن شدند.

کسی که میت را کفن می کند باید موارد زیر را رعایت کند:

۱- میت زن و مرد در سه تکه پارچه سفید کفن شوند و اگر سفید نباشد نیز اشکال ندارد.

۲- کفن باید تمیز و ضخیم و مناسب باشد و از زیاده روی در امر کفن خودداری شود.

۳- مستحب است که کفن بوسیله بخور معطر شود.

۴- سپس کفن‌ها را یکی پس از دیگری روی هم قرار داده و خوشبو کننده و کافور میان آنها قرار داده شود.

۵- سپس میت بر پشت روی کفن خوابانده شود.

۶- بعد از این مراحل مقداری پنبه را با مقداری مواد خوشبو آغشته کند و آن را در مقعدش قرار دهد، و اعضای تناسلی آن را کنار هم قرار داده و به آرامی با یک پارچه به هم ببندد تا اگر چیزی از مقعدش خارج شد آن خوشبویی که در آن بکار رفته مانع از انتشار بوی بد آن شود.

۷- سپس باقی مانده آن پنبه آغشته به خوشبویی را در دو گوش و بینی و دهانش قرار داده و اعضای سجودش را نیز به خوشبوکننده آغشته کند.

۸- بعد از آن لایه فوقانی کفن را به طرف راست صورتش و لایه دیگر را از بالای آن به طرف دیگر صورت پيچانده و سپس لایه دوم و سوم نیز بدین صورت عمل شود؛ ولی اگر میت در حال احرام از دنیا رفته باشد نباید سرش پوشیده شود.

۹- سپس کفن را بهم گره زده که نهایتاً در قبر گره باز کرده می‌شود.

توجه: بعضی از مردم عادت کرده اند که کفن را از چهره میت باز کرده و صورتش را رو به زمین قرار می‌دهند. هیچ دلیلی بر این عمل در شرع ثابت نشده است.



رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد حمل جنازه

از جمله رهنمودهای ایشان شرکت در تشییع جنازه بود و به اصحاب و یاران خود نیز فرمودند که شرکت در تشییع جنازه از حقوق مسلمان بر گردن مسلمانهاست؛ چنانچه می‌فرماید: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ: رَدُّ السَّلَامِ، وَعِيَادَةُ الْمَرِيضِ، وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ، وَإِجَابَةُ الدَّعْوَةِ، وَتَشْمِيتُ الْعَاطِسِ».

ترجمه: حق مسلمان بر مسلمان، پنج چیز است: جواب سلام؛ عیادت مریض؛ تشییع جنازه؛ قبول دعوت او؛ دعای خیر در هنگام عطسه کردن. (متفق علیه).
و رسول الله ﷺ بیان فرمودند که شرکت در تشییع جنازه اجر بسیار بزرگی دارد؛ چنانچه فرمودند: «من اتبع جنازة مسلم إيماناً واحتساباً حتى يُصلى عليه، فله قيراط، ومن شهدا حتى تُدفن، فله قيراطان من الأجر، قيل: يا رسول الله! وما القيراطان؟ قال: كل قيراط مثل أحد».

ترجمه: هرکس جنازه‌ی مسلمانی را از روی ایمان و اخلاص و به امید اجر و پاداش خدا، تا زمانی که بر او نماز خوانده می‌شود مشایعت کند، یک قیراط اجر و پاداش نصیبش می‌شود؛ و اگر شاهد دفنش نیز باشد دو قیراط اجر و پاداش نصیبش می‌شود، گفته شد: ای رسول خدا دو قیراط چه مقدار است؟ فرمودند: هر قیراطی به اندازه کوه احد می‌باشد. (متفق علیه).

لازم است که تشییع کنندگان جنازه نکات زیر را رعایت کنند:

اول: جایز نیست که تشییع جنازه با اعمال خلاف شرع انجام شود مانند: گریه کردن با صدای بلند، با بخور و مانند آن میت را همراهی کردن و نیز در هنگام تشییع جنازه با صدای بلند ذکرگفتن؛ چرا که این کارها بدعت محسوب می‌شود و در شرع

مظهر بدان امر نشده؛ بلکه لازم است که در هنگام تشییع جنازه سکوت اختیار شود و بیندیشیم و عبرت بگیریم.

دوم: باید در هنگام بردن جنازه به صورت شتابان حرکت شود و از دویدن که در اثر آن میت زیاد تکان می خورد خودداری شود؛ چنانچه رسول الله ﷺ می فرماید: «أَسْرِعُوا بِالْجَنَازَةِ، فَإِنْ تَكَ صَالِحَةً، فَخَيْرٌ تُقَدَّمُونَهَا إِلَيْهِ، وَإِنْ تَكَ سِوَى ذَلِكَ، فَشَرٌّ تَضَعُونَهُ عَنْ رِقَابِكُمْ».

ترجمه: جنازه را هر چه زودتر به گورستان ببرید. اگر انسان نیکی باشد، پس او را زود تر به خیری که در انتظارش می باشد می رسانید؛ و اگر انسان بدی باشد زودتر شری را از روی شانه های خود بر زمین می گذارید. (متفق علیه).

سوم: جایز نیست که جهت حمل جنازه اطراف آن شلوغ شود کما اینکه امروزه مردم این کار را می کنند، بلکه سنت این است که فقط چهار نفر جنازه را حمل کنند. **چهارم:** می توان جلو جنازه یا پشت سرش یا از طرف راست و چپ به گونه ای که نزدیک جنازه باشد حرکت کرد، ولی بهتر این است که پشت سر جنازه حرکت کرده شود. **پنجم:** راه رفتن با کفش یا دمپایی در بین قبرهای مسلمین کراهت دارد؛ و این به دلیل حدیثی است که از رسول الله ﷺ روایت شده، چنانچه ایشان مردی را مشاهده کردند که با دمپایی در بین قبرها راه می رفت، لذا ایشان فرمودند: «يَا صَاحِبَ السَّبْتَيْنِ، أَلْقِ سَبْتَيْتِكَ».

ترجمه: ای کسی که کفش به پا [در قبرستان راه می روی]، کفشهایت را در بیاور. (به روایت امام احمد و ابوداود و نسایی وابن ماجه، و علامه آلبنانی آن را صحیح دانسته).

تذکر: لازم است تشییع کنندگان جنازه به این نکته توجه داشته باشند زمانی که همراه جنازه به قبرستان وارد می شوند دمپایی یا کفشهای خود را از پایشان بیرون بیاورند، مگر زمانی که در قبرستان خار و خاشاک، یا گرمای شدید باشد که به پا

آسیب می‌رساند؛ متأسفانه حتی خواص هم به این نکته توجهی ندارند چه رسد به عوام الناس.

تذکری دیگر: در بعضی از کشورها مشاهده کرده‌ایم که جنازه را در ماشین گذاشته و تا داخل قبرستان می‌برند! و این عمل با سنت نبوی منافات دارد، و تشییع کنندگان جنازه حکمت بزرگی که در حمل جنازه نهفته است و آن عبرت گرفتن از جنازه است را از دست می‌دهند و همچنین از اجر و پاداش حمل جنازه محروم می‌شوند.

ششم: برای کسانی که جنازه را حمل می‌کنند مستحب است که وضو بگیرند، چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «مَنْ غَسَلَ مَيِّتًا فَلْيُغْتَسِلْ، وَمَنْ حَمَلَهُ فَلْيَتَوَضَّأْ». ترجمه: هر کس جنازه ای را شست، باید غسل کند و هر کس آن را حمل کرد، باید وضو بگیرد. (ابوداود روایت کرده و شیخ آلبنی آن را صحیح دانسته است).

هفتم: شرکت در تشییع جنازه برای زنان مکروه می‌باشد.

رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد نماز میت

از جمله رهنمودهای ایشان زمانی که جنازه‌ای را به خدمت ایشان می‌آوردند تا بر وی نماز بخواند این بود که می‌پرسیدند آیا بدهی‌ای به گردنش است یا خیر؟ اگر بدهی به گردنش نبود بر وی نماز می‌خواندند، در غیر این صورت نماز نمی‌خواندند و به اصحاب اجازه می‌دادند که بر آن جنازه نماز بخوانند، چرا که چنانچه انسان بدهکار باشد و از دنیا برود، بعد از مرگ در گرو بدهی‌اش می‌باشد و به بهشت وارد نمی‌شود تا اینکه بدهی‌اش را ادا کنند و نماز ایشان به منزله شفاعت در حق میت بود و شفاعت ایشان نیز قطعاً مورد قبول الله ﷻ واقع می‌شد، اما زمانی

که الله ﷻ از مال دنیا به ایشان عطا فرمود، بدهی میت را ادا می فرمود و سپس بر وی نماز می خواندند و مال میت را برای میراث بران می گذاشت.

امام باید نکات زیر را در نماز جنازه رعایت کند:

اول: اینکه نماز جنازه در مصلائی که مخصوصاً جهت خواندن نماز جنازه ساخته شده است باشد؛ و اگر در مسجد خوانده شود نیز مانعی ندارد اما افضل و بهتر آن است که در مصلا خوانده شود؛ و نماز جنازه را آنگاه که جنازه بر زمین گذاشته شد باید خواند.

دوم: اینکه نماز جنازه در آن اوقات سه گانه ای که خواندن نماز در آن نهی شده، خوانده نشود مگر زمانی که اهل علم تشخیص دهند که ضرورت ایجاب می کند خوانده شود؛ و این اوقات سه گانه عبارتند از: وقتی که خورشید طلوع می کند تا مقداری بالا آید، زمانی که خورشید در وسط آسمان است تا زوال کند، و زمانی که خورشید در آستانه غروب قرار می گیرد تا غروب کند. چنانچه در حدیث عقبه بن عامر که در ادامه می آید خواهیم دید.

توجه: بسیاری از تشیع کنندگان جنازه عادت کرده اند که جنازه خود را نزدیک غروب به خاک می سپارند، در حالی که -چنانچه در باب بعدی بیان خواهد شد- رسول الله ﷺ از این کار نهی فرموده اند. همچنین از صحابه نیز روایت شده که از این کار نهی می کردند؛ چنانچه امام بیهقی روایت می کند که: هنگامی که خورشید رو به زردی رفته و نزدیک غروب شده بود، جنازه ای در قبرستان بصره آورده شد اما نماز بر وی خوانده نشد تا خورشید غروب کرد، آنگاه ابو بزره رضی الله عنه دستور داد تا منادی ندا دهد و مردم را جهت خواندن نماز با خیر سازد، آنگاه نماز اقامه شد و در حالی که انس بن مالک و ابو بزره که هر دو از صحابه رسول الله ﷺ بودند در بین مردم حضور داشتند، ابتدا نماز مغرب به امامت ابو بزره خوانده شد سپس بر جنازه نماز خواندند. (شیخ آل بانی این اثر را حسن دانسته است). «احکام جنائز» (۱۶۶).

یک تذکر مهم: اگر زمانی که مردم در قبرستان در انتظار آماده شدن میت جهت خاک سپاری بودند و در این هنگام وقت نماز فرض فرا رسید، باید از قبرستان خارج شده و برای ادای فریضه نماز به مسجد خارج قبرستان بروند؛ چرا که در احادیث متعددی رسول الله ﷺ از خواندن نماز در قبرستان نهی فرموده‌اند، از جمله آن احادیث، حدیث عبدالله بن عمرو بن عاص است که می‌فرماید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَهَى عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْمَقْبَرَةِ».

ترجمه: (رسول الله ﷺ از خواندن نماز در قبرستان نهی فرمودند). (شیخ آلبانی آن را در کتاب «صحیح موارد الظمان» صحیح دانسته)

سوم: هر قدر تعداد انسانها بیشتر باشد، برای میت بهتر و پرمفعت تر است، و هر گاه تعداد به صد نفر رسید، شفاعتشان در حق میت قبول می‌شود؛ چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «مَا مِنْ مَيِّتٍ يُصَلِّي عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْلُغُونَ مِئَةَ كُلُّهُمْ يَشْفَعُونَ لَهُ إِلَّا شَفَعُوا فِيهِ».

ترجمه: اگر جماعتی از مسلمانان که به صد نفر برسند بر مرده‌ای نماز بگزارند و همه‌ی آنها برای مرده شفاعت و طلب آمرزش کنند، شفاعت آنها در مورد او قبول واقع و وی بخشوده می‌شود. (به روایت امام مسلم).

چهارم: مستحب است که پشت سر امام در سه صف و ما فوق آن قرار گیرند. چنانچه از مالک بن هبیره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فَيُصَلِّي عَلَيْهِ ثَلَاثَةٌ صُفُوفٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا عُفِرَ لَهُ».

ترجمه: هر مسلمانی که بمیرد و سه صف از مسلمانان بر وی نماز گزارند، گناهانش بخشیده می‌شود. (به روایت ابوداود و شیخ آلبانی آن را حسن دانسته است).

پنجم: حاکم یا نماینده اش برای نماز خواندن بر جنازه مستحق تر از ولی میت می باشد؛ و اگر حاکم یا نماینده اش حضور نداشتند افرادی که در قرائت قرآن از همه ماهرترند امامت بدهند و سپس به همان ترتیبی که در حدیث آمده است، چنانچه می فرماید: «يَوْمُ الْقَوْمِ أَقْرَهُهُمْ لِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى فَإِنْ كَانُوا فِي الْقِرَاءَةِ سَوَاءً فَأَعْلَمُهُمْ بِالسَّنَةِ فَإِنْ كَانُوا فِي السَّنَةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ هِجْرَةَ فَإِنْ كَانُوا فِي الْهِجْرَةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ سِلْمًا، وَلَا يُؤَمِّنُ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فِي سُلْطَانِهِ وَلَا يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ عَلَى تَكْرَمَتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ».

ترجمه: افرادی که در قرائت قرآن از همه ماهرتر هستند، امامت بدهند، اگر همه در قرائت با هم برابر بودند، کسی که در سنت از دیگران آگاهتر است؛ اگر همه در علم به سنت برابر بودند، کسی که در هجرت از دیگران پیشی گرفته، اگر در هجرت هم برابر بودند؛ کسی که زودتر از دیگران مسلمان شده است. و کسی حق ندارد در حیطة قدرت کسی دیگر (بدون اجازه اش) امامت دهد، و در خانه اش بر مکان مخصوصی که می نشیند، ننشیند؛ مگر با اجازه اش. (به روایت امام مسلم).

ششم: اگر میت مرد باشد امام کنار سرش می ایستد و اگر زن باشد کنار شکمش می ایستد.

هفتم: و چهار تکبیر، یا پنج تکبیر، یا شش تکبیر، یا هفت تکبیر و تا نه تکبیر می تواند بگوید؛ زیرا همه آنها از رسول الله ﷺ ثابت شده است.

توجه: مازاد بر چهار تکبیر جزو سنت های متروکه بشمار می رود. لذا شایسته است که علما در تطبیق آن بکوشند و بوسیله آموزش دادن به مردم و تطبیق آن بصورت عملی بین مردم منتشر کنند که ان شاء الله مأجور خواهند بود.

هشتم: در تکبیر اولی دستهایش را بلند می کند؛ همچنین می تواند در تمامی تکبیرها دستهایش را بلند (رفع یدین) کند. و برای مقتدیان لازم است که در کیفیت

تکبیر از امام پیروی کنند، چنانچه امام هنگام گفتن تکبیر دستهایش را بلند کرده آنها نیز دستهایشان را بلند کنند و اگر چنین نکرد آنها نیز نباید دستهایشان را بلند کنند.

نهم: بعد از تکبیر اولی سوره فاتحه و یک سوره دیگر خوانده می‌شود.

دهم: پس از تکبیر دوم صلوات ابراهیمی خوانده می‌شود.

یازدهم: و بعد از تکبیر سوم بطور خلاصه برای میت دعا کرده می‌شود و

دعاهایی که از رسول الله ﷺ ثابت شده از قرار زیر است:

اول: «اللَّهُمَّ، اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَعَافِهِ وَاعْفُ عَنْهُ، وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ، وَوَسِّعْ مَدْخَلَهُ، وَاعْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَبْدِلْهُ دَارًا حَيْرًا مِنْ دَارِهِ، وَأَهْلًا حَيْرًا مِنْ أَهْلِهِ، وَزَوْجًا حَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ، وَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ وَأَعِذْهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ». (به روایت امام مسلم).

دوم: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا، وَشَاهِدِنَا وَعَائِبِنَا، وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، وَذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا، اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِيمَانِ، اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ، وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَهُ». (به روایت ابوداود و ترمذی و ابن ماجه، و شیخ البانی آن را صحیح دانسته است).

دوازدهم: و بعد از تکبیر چهارم دعایی مخصوص میت است مانند این دعا [ها]

که می‌گویی:

اول: «اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ فِي ذِمَّتِكَ، وَحَبْلِ جِوَارِكَ، فَقِهِ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ النَّارِ، وَأَنْتَ أَهْلُ الْوَفَاءِ، وَالْحَقُّ، فَاعْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ». (به روایت ابوداود، و ابن ماجه و شیخ البانی آن را صحیح دانسته است).

دوم: «اللَّهُمَّ عَبْدُكَ، وَابْنُ أُمَّتِكَ، احْتَاجُ إِلَى رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِهِ، فَإِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ، وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ». (به روایت طبرانی و حاکم آن را صحیح دانسته است). (سپس هر دعایی که بخواهد می‌تواند بکند).

سیزدهم: و اگر بخواهد که نماز را با پنج تکبیر یا بیشتر بخواند، این دعا را نیز بخواند: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». (امام احمد روایت کرده و شیخ آلبنی آن را صحیح دانسته است).

چهاردهم: سپس همانطور که در نمازهای فرض سلام می‌دهد، دوبار سلام می‌دهد، چنانچه عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید: «ثَلَاثٌ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَفْعَلُهُنَّ تَرَكَهُنَّ النَّاسُ، إِحْدَاهُنَّ التَّسْلِيمُ عَلَى الْجِنَازَةِ مِثْلَ التَّسْلِيمِ فِي الصَّلَاةِ».

ترجمه: سه خصلت است که رسول الله صلی الله علیه و آله آن را انجام می‌دادند و مردم آن را ترک کرده‌اند، که یکی از آن سه خصلت سلام نماز جنازه بماند سلام نمازهای فرض است. (امام بیهقی با سند حسن آن را روایت کرده است).

همچنین جایز است که تنها به سلام اولی اکتفا شود؛ چنانچه ابو هریره رضی الله عنه می‌فرماید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى عَلَى جِنَازَةٍ، فَكَبَّرَ عَلَيْهَا أَرْبَعًا، وَسَلَّمَ تَسْلِيمَةً وَاحِدَةً».

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و آله بر جنازه‌ای با چهار تکبیر و یک سلام نماز خواندند. (دارقطنی روایت کرده و شیخ آلبنی آن را حسن دانسته است). و تنوع در سلام نماز جنازه سنت است.

پانزدهم: سنت است که سلام نماز جنازه بصورت سرّی باشد و در این امر امام و مقتدیان با هم برابرند؛ چنانچه سعد بن سعد بن حنیف انصاری رضی الله عنه می‌فرماید: «ثم يسلم سرا في نفسه حين ينصرف، والسنة أن يفعل من وراءه مثلما فعل إمامه».

ترجمه: و آنگاه که می‌خواهد نماز را به پایان برساند بطور سرّی سلام می‌دهد و برای مقتدیان نیز سنت است که همانند امامشان عمل کنند. (امام شافعی در کتاب

«الأم» روایت کرده و شیخ آلبنی آن را صحیح دانسته است).

شانزدهم: چنانچه کسی [از مقتدیان] به علت تأخیر، بعضی تکبیرات نماز را از دست داد، اگر ترس از این نداشته باشد که جنازه را بلند کنند، می‌تواند قضای تکبیرات از دست داده را به جا بیاورد و سلام دهد و اگر همراه امام نیز سلام دهد مانعی ندارد.

هفدهم: کسی که نماز جنازه از او فوت شد، به همان شیوه که بر جنازه نماز خوانده می‌شود، بر قبر نماز بخواند.

رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد خاکسپاری میت

رسول الله ﷺ نهی فرمودند از اینکه میت در هنگام طلوع خورشید، و هنگام غروب، و زمانی که خورشید وسط آسمان باشد (یعنی اندکی قبل از زوال) به خاک سپرده شود. چنانچه عقبه بن عامر رضی الله عنه می‌فرماید: «ثَلَاثُ سَاعَاتٍ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَنْهَانَا أَنْ نُصَلِّيَ فِيهِنَّ أَوْ أَنْ نَقْبِرَ فِيهِنَّ مَوْتَانَا: حِينَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ بَارِغَةً حَتَّى تَرْتَفِعَ وَحِينَ يَقُومُ قَائِمُ الظُّهْرِ حَتَّى تَمِيلَ الشَّمْسُ وَحِينَ تَضَيِّفُ الشَّمْسُ لِلْغُرُوبِ حَتَّى تَغْرِبَ».

ترجمه: سه وقت رسول الله ﷺ ما را از خواندن نماز و دفن مرده هایمان نهی می‌کرد، وقتی که خورشید طلوع می‌کند تا مقداری بالا آید، زمانی که خورشید در وسط آسمان است تا زوال کند و زمانی که خورشید در آستانه غروب قرار می‌گیرد تا غروب کند. (به روایت امام مسلم).

بر خلاف آنچه که بعضی عوام الناس اعتقاد دارند، خاک سپاری میت در شب نیز جایز است؛ چنانکه ابوبکر صدیق رضی الله عنه شبانه دفن شدند.

از جمله رهنمودهای ایشان رضی الله عنه قرار دادن لحد در قبر بود و می فرمود: «اللحد لنا و الشق لغيرنا».

ترجمه: لحد (حفره‌ای در جانب قبر) برای ماست، و شَقّ (حفره‌ای وسط قبر) برای غیر ماست. (ابوداود روایت کرده و شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است). همیشه دستور می‌دادند که عمق قبر را زیاد کنند و جای سر و دو پای میت را وسیع و فراخ کنند.

و از جمله روش ایشان رضی الله عنه این بود: زمانی که میت به خاک سپرده می‌شد، سه بار با دست مبارکش از قسمت سر میت خاک بر روی قبر می‌ریخت.

رسول الله صلی الله علیه و آله هرگاه از دفن میت فارغ می‌شد بر کنار آن می‌ایستاد و از الله عز و جل می‌خواست که او را ثابت قدم بدارد و به اصحابش نیز دستور می‌داد از الله عز و جل بخواهند که او را ثابت قدم بدارد.

از جمله کارهایی که خلاف رهنمودهای رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد و امروزه برخی از مردم این کار را انجام می‌دهند تلقین میت است.

و همچنین از بلند کردن قبر و ساختن گنبد و بارگاه بر روی آن و قرار دادن قبر بعنوان عبادتگاه و بر افروختن چراغ بر روی آن نهی فرمودند.

بر تشییع کننده لازم است که در رعایت موارد مربوط به دفن که در زیر بیان خواهد شد کوشا باشد:

اول: اینکه برای میت در قبرش «لحد» قرار دهد؛ لحد عبارت از حفره‌ای است که در کناره قبر به طرف قبله حفر می‌شود.

دوم: اگر چنانچه حفر «لحد» امکانپذیر نبود، می‌تواند «شق» که عبارت است از حفره‌ای که در وسط قبر حفر می‌شود، حفر کند.

سوم: اینکه عمق قبر را زیاد کند، و همچنین از جانب دو پا و سر میت نیز وسیع کند تا اینکه میت بوسیله سنگ و غیره اذیت نشود.

چهارم: کسی که می‌خواهد وظیفه گذاشتن میت در قبر را به عهده بگیرد باید مرد باشد نه زن، حتی اگر میت زن باشد.

پنجم: در درجه اول باید سرپرست میت، او را در قبر بگذارند، زیرا الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾. [الأنفال: ۷۵].

ترجمه: و کسانی که با یکدیگر خویشاوندند برخی برای برخی دیگر سزاوارترند [و حقوق آنان] در کتاب الله [بیان شده است و حکم خدا بر آن رفته است].

ششم: شوهر می‌تواند شخصا جسد همسرش را در قبر بگذارد.

هفتم: مستحب است کسی میت را درون قبر قرار دهد که شب قبلش با همسرش عمل جماع را انجام نداده باشد؛ حال فرقی نمی‌کند که این شخص شوهر میت باشد یا فردی دیگر؛ چنانچه رسول الله ﷺ زمانی که دخترش ام کلثوم همسر عثمان ﷺ را به خاک می‌سپرد فرمودند: «لَا يَدْخُلُ الْقَبْرَ رَجُلٌ قَارِفَ اللَّيْلَةِ أَهْلَهُ، فَلَمْ يَدْخُلِ عُثْمَانُ الْقَبْرَ».

ترجمه: مردی که شب گذشته با همسرش همبستر شده وارد قبر نشود، لذا سیدنا عثمان ﷺ به قبر داخل نشد. (امام احمد روایت کرده و شیخ آلبنانی آن را صحیح دانسته است).

هشتم: سنت است میت را از آن قسمت قبر که پایش قرار می‌گیرد به قبر داخل گرداند.

نهم: میت در قبر بر پهلو راست و رو به قبله خوابانده می‌شود.
دهم: و کسانی که میت را در لحد قرار می‌دهند، این جمله را می‌گویند:

«بِسْمِ اللَّهِ، وَعَلِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، أَوْ يَقُولُ: مِلَّةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ».

ترجمه: بنام الله، و بر سنت رسول الله، یا می‌گوید: ملت رسول الله. (امام احمد و ابوداود و ابن ماجه روایت کرده‌اند و شیخ آلبانی آن را صحیح دانسته است).
توجه: گذاشتن بالش یا آجر در زیر رخسار میت یا آشکار کردن چهره‌اش از جمله مواردی است که خلاف سنت رسول الله ﷺ بشمار می‌رود.

یازدهم: برای تشییع کنندگانی که کنار قبر هستند پس از پوشیده شدن لحد، سنت است که از طرف سر میت با دو دست خویش سه بار خاک به داخل قبر بریزند.

دوازدهم: قبر باید به اندازه یک وجب بصورت خرپشته (تلی از خاک) از زمین بلند کرده شود و نباید همسطح زمین باشد و بتوان تشخیص داد تا مردم از روی آن رد نشوند.

سیزدهم: قبر به وسیله سنگ یا چیز برجسته‌ای علامت گذاری شود.
فایده: می‌توان میت را در نزد خانواده‌اش دفن کرد اما به شرط اینکه این کار سبب به وجود آمدن مشقت و تکلف نباشد که منجر به تأخیر افتادن خاک سپاری میت شود؛ چنانچه زمانی که عثمان بن مظعون رضی الله عنه وفات یافت و رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از دفنش سنگی را به عنوان علامت در جایگاه سرش قرار دادند و فرمودند: «أَتَعَلَّمْ بِهَا قَبْرَ أَخِي، وَأُدْفِنُ إِلَيْهِ مِنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِي».

ترجمه: به وسیله این سنگ، قبر برادرم را نشانه گذاری می‌کنم و از خویشاوندانم هر کسی که وفات یافت در نزد او دفن می‌کنم. (ابوداود روایت کرده و شیخ آلبانی آن را صحیح دانسته است).

چهاردهم: بر سر قبر می ایستد و در حق مرده دعا می کند و تشییع کنندگان را نیز به این کار دستور می دهد؛ چنانچه رسول الله ﷺ فرمودند: «استغفروا لأخیکم وسلوا له التثبیت فإنه الآن یُسأل».

ترجمه: برای برادران طلب آمرزش کنید و ثابت ماندن [بر ایمان و شهادت] را برای او [از الله] بخواهید؛ زیرا اکنون از وی سؤال می شود. (ابوداود روایت کرده و شیخ آلبانی آن را حسن دانسته است).

توجه: یکی از اشتباهاتی که تشییع کنندگان مرتکب می شوند این است که بعد از دفن مرده بی درنگ از آنجا دور می شوند؛ غافل اند از این که بیشتر از هر زمان دیگری مرده به حضور [مشایعت کنندگان] و دعا در آنجا نیاز دارد.

لذا مردم را توصیه می کنیم به اینکه حداقل نزدیک یک ساعت کنار قبر بمانند و به صورت سری و مخفیانه برای مرده دعا کنند البته نه بدان صورت که بعضی با صدای بلند دعا می کنند.

از الله ﷻ می خواهیم که از گناهان ما و تمامی مسلمانان درگذرد. . آمین آمین یا رب العالمین.

رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد زیارت قبرستانها

یکی از رهنمودهای رسول الله ﷺ زیارت قبور بود؛ چنانچه می فرمود: «إني نهيتكم عن زيارة القبور، فزوروها، فإنّ فيها عبرة، ولا تقولوا ما یسخط الرب».

ترجمه: همانا من شما را از زیارت قبرها نهی کرده بودم، از این بعد آن ها را

زیارت کنید، زیرا در زیارت آن پندها نهفته است، و آنچه که پروردگار را به خشم می‌آورد بر زبان جاری نسازید. (امام احمد روایت کرده و شیخ آلبانی آن را صحیح دانسته است).

زمانی که رسول الله ﷺ به زیارت قبرستان تشریف می‌بردند، بر اهل قبور سلام می‌کردند و برای آنها طلب بخشش و دعای رحمت می‌کردند. و به اصحاب و یارانش نیز آموزش می‌دادند زمانی که به زیارت قبرستان می‌روند، بگویند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَآحِقُونَ، أَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ».

ترجمه: سلام بر شما باد، ای ساکنان و اهل [این] جایگاه از مؤمنین و مسلمین! قطعاً ما هم ان شاء الله به شما ملحق می‌شویم؛ از الله ﷻ برای خود و شما، عافیت و رستگاری را مسئلت می‌نماییم. (به روایت امام مسلم).

رسول الله ﷺ از رفتن به داخل قبرستان با دمپایی یا کفش نهی فرمودند، مگر زمانی که خار و خاشاکی در زمین قبرستان باشد یا هوا زیاد گرم، یا خیلی سرد باشد که به پا آسیب می‌رساند.

رسول الله ﷺ به مرده‌ها وابسته نبود، به آنها متوسل نمی‌شد، حاجات و نیازهای خود را از آنها نمی‌خواست، در کنار قبر آنها اعتکاف نمی‌کرد، دست خود را به قبر آنها نمی‌مالید و در کنار قبر ذبح نمی‌کرد. چرا که نه تنها همه‌ی این کارها جزو بدعت و نوآوری در دین محسوب می‌شود، بلکه بعضی از آنها به دایره‌ی شرک اکبر داخل می‌شود.

[همچنین] از ایشان ثابت نشده است که در کنار قبر بایستد و سوره فاتحه را بر روح میت قرائت کند؛ چنانچه بیشتر مردم امروزه این کار را انجام می‌دهند، بلکه تنها دعا برای مرده کفایت می‌کند.

توجه: بعضی از مردم عادت کرده‌اند که روز خاصی را در سال مانند روز عید، یا روز جمعه برای زیارت قبور خانواده یا خویشاوندان خود تخصیص می‌دهند که البته هیچ دلیل صحیحی برای آن ثابت نشده است، بلکه علما این کار را از جمله بدعت‌هایی شمرده‌اند که به دین وارد شده است. و رسول الله ﷺ می‌فرماید: «وَشَرَّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَكُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ وَكُلَّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ».

ترجمه: و بدترین کارها، امور تازه وارد [در دین] است، و هر امور تازه‌ای [در دین] بدعت است، و هر بدعتی [مخالف قرآن و سنت] گمراهی است. (به روایت امام مسلم).

رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد تعزیت

یکی از رهنمودهای رسول الله ﷺ گفتن تسلیت و ابراز همدردی با اهل و خانواده‌ی میت و برآورده کردن حاجتها و نیازهای آنها و نیز تشویق آنها به صبر و بردباری و راضی شدن به قضا و قدر الهی بود.

رسول الله ﷺ می‌فرمود: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ تُصِيبُهُ مُصِيبَةٌ، فَيَقُولُ: إِيَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: اللَّهُمَّ أَجْرِي فِي مُصِيبَتِي، وَاخْلُفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا، إِلَّا أَجْرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي مُصِيبَتِهِ وَاخْلُفْ لَهُ خَيْرًا مِنْهَا».

ترجمه: هر مسلمانی که مصیبتی به او برسد و سپس بگوید: «إِيَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ أَجْرِي فِي مُصِيبَتِي، وَاخْلُفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا. یعنی: ما از خدایم و به سوی او باز می‌گردیم، خدایا! مرا در مصیبتم مأجور بفرما و بهتر از او را برایم

جانشین او کن!« خداوند متعال در مصیبتش به او اجر می‌دهد و بهتر از مرده را برایش جایگزین می‌گرداند. (به روایت امام مسلم).

اجتماع کردن برای تعزیه و قرائت قرآن در خانه یا مسجد یا غیره، جزو رهنمودهای رسول الله ﷺ نبوده بلکه علما آن را از جمله رسوم و آداب وارد شده در دین بر شمرده‌اند.

تذکر: بعضی از عزاداران برای اظهار غم و اندوه خود و اینکه نشان دهند که عزادار هستند، لباس سیاه به تن می‌کنند که این نیز از بدعت‌هایی است که توسط مردم اختراع شده است.

تذکری دیگر: بعضی از مردم کسانی را که در مراسم عزاداری شرکت نکرده‌اند به کوتاهی در حق صاحب عزا متهم می‌کنند که البته شایسته نیست، چرا که چیزی را به مردم تحمیل می‌کنند که دین مبین اسلام، ما را بدان مکلف نکرده است. لذا لازم است که برای برادرانمان عذر بیاوریم و نه چیزی را به آنها تحمیل کنیم.



رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد سوگواری و عده وفات

رسول الله ﷺ سوگواری برای زنی که شوهرش وفات یافته است را واجب کرده و به دیگران اجازه داده است که عزادار باشند. چنانچه الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾. [البقرة: ۲۳۴].

ترجمه: و کسانی که از شما [مردان] می‌میرند و همسرانی از پس خود به جای

می‌گذارند، همسرانشان باید چهار ماه و ده شبانه روز انتظار بکشند [و عده نگاه دارند]، و هنگامی که به آخر مدتشان رسیدند و آن را به پایان بردند، گناهی بر شما نیست که هر چه می‌خواهند درباره خودشان به طور شایسته انجام دهند.

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «لَا يَجِلُّ لَامْرَأَةٍ تُوْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ تُحِدُّ عَلَى مَيِّتٍ فَوْقَ ثَلَاثٍ، إِلَّا عَلَى زَوْجِ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا».

ترجمه: هر زن مؤمنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، مجاز نیست بیش از سه روز، برای کسی سوگوار باشد مگر برای شوهرش، که در آنصورت، می‌تواند چهار ماه و ده روز، به سوگ بنشیند. (متفق علیه).

سوگواری یعنی: دوری کردن زنی که شوهرش وفات یافته است، از تمام چیزهایی که میل به نگاه کردن آن در انسان به وجود می‌آید و منجر به ازدواج می‌شود.

عده: به مدت زمانی گفته می‌شود که زن پس از طلاق یا فوت شوهرش نباید شوهر کند.

زنی که در سوگ نشسته است باید نکات زیر را رعایت کند:

اول: اینکه از تمام مظاهر زینتی و آرایشی که شامل لباس، بوی خوش، سرمه کردن چشمها و استفاده از زیورآلات می‌شود به احترام همسر فوت شده‌اش در مدت سوگواریش دوری کند.

دوم: اینکه عده‌ی خود را در منزل شوهرش سپری کند و جز در مواقع ضروری مانند رفتن به بیمارستان و... از منزل خارج نشود.

سوم: اینکه هیچ خواستگاری نباید به خواستگاری‌اش برود و زن باید از تمام چیزهایی که سبب جلب خواستگار می‌شود دوری کند تا اینکه هیچ کس به فکر ازدواج با وی نیفتد و خود را تا پایان مدت عده از این مسایل دور نگه دارد.

چهارم: مدت زمان عدّه‌ی زنی که شوهرش وفات یافته است اگر حامله نباشد، چهار ماه و ده روز می‌باشد؛ اما اگر حامله باشد هرگاه وضع حمل کند عدّه‌ی او نیز به پایان می‌رسد.

پنجم: اگر زنی در آن مدت تعیین شده به سوگ شوهرش ننشیند [عدّه را ترک کند] گنهکار می‌شود؛ چرا که امر واجبی را ترک کرده است و بر وی لازم است که از کار خود اظهار پشیمانی و توبه کرده و عزم و اراده کند که بار دیگر به این عمل برنگردد.

توجه: بعضی از زنانی که در سوگ شوهر به سر می‌برند عادت کرده‌اند که لباس سیاه می‌پوشند، به حیاط خانه و پشت بام نمی‌روند، ماه شب چهارده را تماشا نمی‌کنند، با هیچ مردی صحبت نمی‌کنند، با تلفن صحبت نمی‌کنند، اگر کسی دَقّ الباب کند با فرد پشت در صحبت نمی‌کنند و از این قبیل اموری که هیچ دلیلی از جانب الله ﷻ بر آن نیست و همه این موارد جز خرافه‌ای بیش نیست و هیچ اصلی در شرع مطهر ندارد.

رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد آنچه که برای مرده

منفعت دارد

رسول گرامی اسلام ﷺ برای ما بیان فرمودند زمانی که انسانی وفات می‌یابد عملش و رزق و روزی‌اش و اجر و پاداشش قطع می‌شود مگر از سه راهی که خانواده و خویشاوندان و دوستان میت انجام می‌دهند که اجر و پاداشش به وی

می‌رسد؛ چنانچه فرموده است: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ».

ترجمه: وقتی انسان بمیرد، ثواب عمل او جز از سه مورد قطع می‌شود: صدقه‌ای جاریه و همیشگی، علمی که از آن بهره گرفته شود و فرزند صالحی که برای او دعای خیر کند. (به روایت امام مسلم).

لذا لازم است که خانواده و خویشاوندان میت به حدیث مذکور پایبند بوده و به کارهایی که برای میت هیچگونه منفعتی ندارد اعتنایی نکنند؛ چرا که تمام خیر و خوبی‌ها در پیروی از رهنمودهای رسول الله ﷺ است.

پس خانواده و دوستان میت زیاد برایش دعا و طلب رحمت کنند و اگر میت شخص عالمی باشد طلابش بکوشند تا علمش را بین مردم منتشر کنند، و اگر ثروتمند باشد، بازماندگانش تلاش کنند که قسمتی از مالش را صرف کارهای عام المنفعه مانند ساخت مسجد کنند، یا نفقه طالب علم یا یتیم و... را بعهده بگیرند.

چقدر انسانها هستند که بواسطه کارهای خلاف سنت به مرده‌های خویش آزار می‌رسانند؛ اگر قبل از اینکه این کارها را انجام می‌دادند از علما در این مورد می‌پرسیدند آیا به نفع مرده بود یا خیر؟ قطعاً برای میت بهتر و پرمفعت تر بود.

اللهم صلِّ متمسکین به سنت رسول الله ﷺ را رحمت کند، و ما را به راه راست هدایت فرماید.

بدعت‌های متنوعی که انجام دادن آن جایز نمی‌باشد

قبل از بیان بعضی از بدعت‌ها و امور دخیل شده به سنت رسول الله ﷺ در مورد جنازه، دوست دارم که معنا و حکم شرعی بدعت را بیان کنم:

بدعت: تمام کارهایی که از اختراعات مردم بوده و هیچ اصلی در قرآن و سنت و عملکرد خلفای چهارگانه ندارد، بدعت نامیده می‌شود.

حکم بدعت: گمراهیست و به صاحبش باز می‌گردد و غیر قابل قبول است، چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ».

ترجمه: کسی که در دینمان، چیزی ایجاد کند که از آن نیست، بدانند که عملش مردود است. (متفق علیه).

برادران و خواهران ایمانی! که الله من و شما را از تمام بدعتها محفوظ بدارد، بدانید و آگاه باشید که در امر جنازه بدعت‌های فراوانی وجود دارد که بعلت کمبود مجال نمی‌توان همه‌ی آنها را در اینجا مورد بحث و بررسی قرار داد؛ اما فقط جهت یادآوری و تذکر برای کسانی که به دنبال حقیقت‌اند، چندین مورد از مشهورترین آنها را در اینجا بیان می‌کنیم:

اول: قرائت سوره (یس) بر کسی که در حال احتضار است، یا در هنگام دفن کردن میت، یا بعد از آن.

دوم: خواندن سوره فاتحه بر قبر میت.

سوم: خواباندن شخصی که در حال احتضار است رو به قبله.

چهارم: خواندن اذکار گوناگون در هنگام شستن هر عضوی از اعضای بدن میت توسط غسل دهنده و رها کردن و فروهستن موهای میت [زن] از میان سینه‌اش.

پنجم: نوشتن دعا یا آیاتی از قرآن بر روی کفن.

ششم: به تأخیر انداختن دفن میت به مدت یک روز یا دو روز به علت حضور نداشتن فرزندان یا خویشاوندانش.

هفتم: حمل کردن حلقه‌ی گل و عکس مرده هنگام تشییع جنازه پیشاپیش میت.
هشتم: ذکر کردن با صدای بلند در هنگام تشییع جنازه، پاشیدن گلاب روی مرده و در قبرش، و هنگامی که دفن شد، یاهنگام زیارتش.
نهم: قرار دادن بالش یا مانند آن در قبر و زیر سر میت.
دهم: آشکار کردن صورت میت در قبر و قرار دادن گونه‌اش رو به زمین.
یازدهم: اینکه بعد از اتمام خاکسپاری یک نفر در کنار قبر دعا کند و بقیه آمین بگویند.

دوازدهم: تلقین میت، به این صورت که گفته می‌شود: (الآن منکر و نکیر می‌آیند و تو در جواب آنها چنین و چنان بگو).

سیزدهم: محدود کردن [جلسه گذاشتن و مراسم گرفتن] تعزیه به سه یا هفت روز.

چهاردهم: در آغوش گرفتن و بوسیدن همدیگر در هنگام عرض تسلیت.
پانزدهم: نصب تابلویی [یا اعلامیه] در مسجد جهت اعلام خبر مرگ اشخاص.
شانزدهم: اختصاص دادن لباس و یژه عزاداری مانند لباس سیاه بخصوص در بین زنان افرادی هستند که بر این امر اصرار می‌ورزند.

هفدهم: ختم کردن قرآن در سه روز اول و بخشیدن آن به مرده.
هجدهم: آماده کردن غذا توسط خانواده میت در روزهای سوم و هفتم، گویا که در جشن و سرور هستند، و این کار را صدقه‌ای برای مرده می‌پندارند!!
نوزدهم: جمع شدن در خانه و یا مسجد جهت برگزاری مجلس تعزیه.

بیستم: صف بستن اهل و خویشاوندان میت پس از دفن مرده خود به منظور دریافت عرض تسلیت از جانب مردم، و دعا نکردن آنها برای مرده در زمانی که میت

نیاز شدید به دعای آنها دارد.

بیست و یکم: نوحه سرایی برای میت؛ (نوحه یعنی: با صدای بلند صفات میت را برشمردن و از کارهای نیکش سخن گفتن).

بیست و دوم: نماز غائب بر کسی که نماز میت بر او خوانده شده است! و کسانی که این کار را انجام می‌دهند به نماز رسول الله ﷺ بر نجاشی استدلال می‌کنند، اما این قیاس صحیحی نیست.

منابع مورد استفادہ

۱. کتاب «أحكام جنائز» نوشته شیخ آلبنی رحمہ اللہ.
۲. کتاب «التعليقات الرضية على الروضة الندية» نوشته شیخ آلبنی رحمہ اللہ.
۳. کتاب «تيسير العلام شرح عمدة الأحكام» نوشته شیخ عبد اللہ البسام رحمہ اللہ.
۴. کتاب «سبل السلام شرح بلوغ المرام» نوشته امام صنعانی رحمہ اللہ.
۵. کتاب «زاد المعاد في هدي خير العباد» نوشته امام ابن قیم رحمہ اللہ.
۶. کتاب «فتح الباري في شرح صحيح البخاري» نوشته امام ابن حجر رحمہ اللہ.
۷. «كتاب الجنائز من الشرح الممتع على زاد المستقنع» نوشته شیخ عثمان بن عثيمين رحمہ اللہ.
۸. «كتاب الأم» امام شافعی رحمہ اللہ.
۹. کتاب «المغنى» نوشته عبد الغنی مقدسی رحمہ اللہ.
۱۰. کتاب «نيل الأوطار» نوشته امام شوکانی رحمہ اللہ.